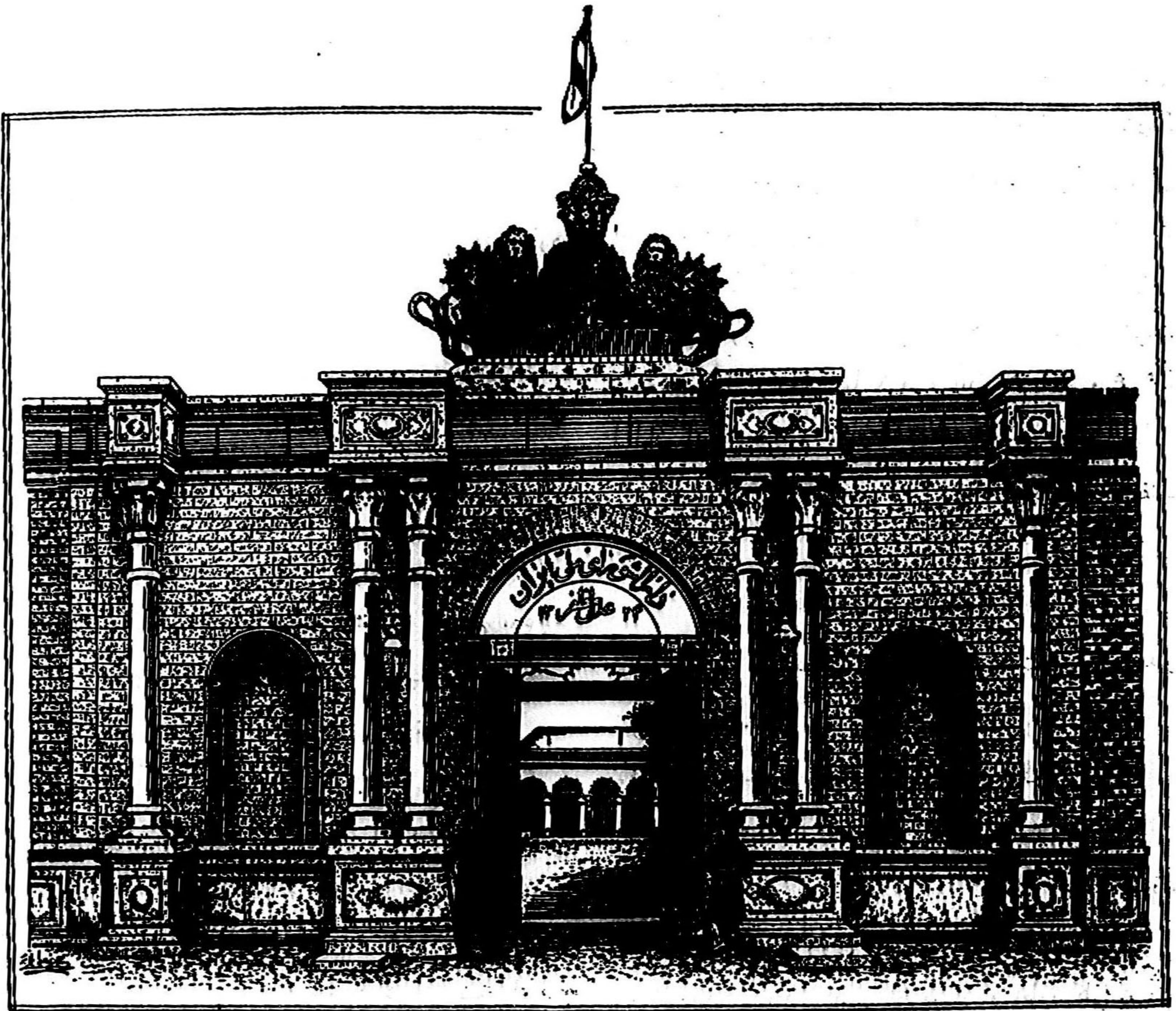


<p>جلسه ۷۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره چهل و دوم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه بله جمه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۴ ارمان ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مدارج

الی صفحه	از صفحه	عنوان
۸۵۰	۸۴۰	مذاکره نسبت بخرید کیسینون محاسبات مجلس راجع بودجه سنه ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی (جاده ۱)



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس لیله جمعه ۲۶ اسفندماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۴ رمضان ۱۳۴۵

جلسه ۷۶

رئیس -- نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست یا نه ؟
 (گفته شد خیر)
 رئیس -- صورت مجلس تصویب شد .

(مجلس سه ساعت از شب گذشته برناست آقای
 پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس لیله سه شنبه بیست و سوم اسفند ماه
 را آقای آقاسید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند)

جمعی از نمایندگان - دستور .
وزیر مالیه - بودجه تلگراف بی سیم است که
تقدیم مجلس میشود .

رئیس - ارسال میشود بکمسیون بودجه و وارد
دستور شویم ؟

بعضی از نمایندگان - بل

رئیس - دستور لایحه تعلیمات عمومی است ولی پیشنهادی
رسیده است . فراتر نمیرود .

(شرح ذیل خوانده شد)

مقام منبر ریاست مجلس مقدس شورای ملی دامت شوکت
اوصا کنندگان ذیل تقاضا و پیشنهاد میکنند بودجه
مجلس در درجه اول جزو دستور امشب شود

رئیس - آقای عمادی

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بواسطه اینکه آنچه را که آقای پاسانی
مقبول در این خصوص شرحی فرمودند این بودجه از امر
لازمی است که اولاً مسئله محاسبات مجلس برای سال

آینده سیصد و شش باید تکلیفش معین شود . ضمناً اضافه
از روی يك اصول زندگانی که امروز بر عموم وکلا
سخت است از لحاظ بودجه این است که استدعا دارند
این بودجه را مقدم بدارند که مطرح شود .

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده نه اینکه بخوام خودمائی

کنم خدای من شاهد است این را نمیخورم عرض کنم .

بنده عرض میکنم این لایحه معارف دو ماده اش بیشتر
باقی مانده و این يك کاری است که ما در دوره پنجم
و ششم يك قدمی برداشته ایم و این آقای وزیر معارف

لایحه اش برداشته اند و آورده اند بمجلس و دو ماده اش
بیشتر باقی نیست . يك لایحه هم هست راجع بوزارت
عدلیه . این عدلیه که منحل شده است . اعضایش

این بود عقیده بنده

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - مخالفم

رئیس - آقای دکتر مصدق هم مخالفند ؟

دکتر مصدق - در ماده اول عرض دارم

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - مخالفم

رئیس - آقای محقق

آقا سید جواد (محقق) - بنده موافقم يك عراقی هم دارم

رئیس - بفرمائید .

محقق - يك مجالی بدست بنده آمده که به بعضی از

آقایان مخالفین بگویم ول کنید تا ول کنیم .

عرض کنم در آن جلسه خصوصی آقای مدرس يك بیانی
فرمودند . بنده از آن جمله اشخاص هستم که آن ساعتی
که طبیعت ایران ایجاد کرد مشروطیت برای ایران و آن

طبیعت ایجاد کرد این ادارات باین عرض و طول را
برای اینکه در بیت المال مسلمین چیزی نماند من با تمام
این ادارات عرض و طول اشل و زارنخانیها مخالفم . جداً

هم مخالفم . نهایت آنها و بی کس هستم . یارم ندارم مگر
يك عده مخصوص . حالا چه شده است که آقایان می
بینند يك بودجه برای مجلس تشکیل میشود یکمرتبه یا

برای ظاهر سازی یا برای فلان . ای برای خدا !! ای
برای فلان !!
(همه نمایندگان)

محقق - قریب چهل نفر از این مجلس منتظرالوزاره
هستند باید بیرون بروند . حقوق وزیر و وکیل یکی است
بنده پیشنهاد میکنم که حقوق وکلاء هم پانصد تومان باشد

بنده نمیگویم یا این است که آقایان مخالفین يك قدم باما
موافقت کنند بخدای وحده لاشریک له بنده حاضر
مستحق

همین حقوق ناقابل که بوکلاه میرسد و از راههای دور هم آمده اند
این را نصف بکنم . اما کی ؟ مادام که مخالفین دامن
بکمر بزنند و باما مساعدت بکنند که اشل و زارنخانیها

ببایین بیاید . این زارنخانیهای باین عرض و طول اشهد کم
بالله شمارا بخدا قسم وقتی که مالیات انحصاری

آقا . آقا . آقای مدرس نمایندگان محترم . وقتی که مالیات
انحصاری در این مملکت تجویز کردید و قانونش گذشت
يك قانونی گذشت که گفتند این جزو کمراکات است و

دیگر مستخدم لازم نداشت و مالیه برای این کار سه نفر
مستخدم درست کرد حالا سه نفر شده است سی و دو نفر !!
این از کجا میآید ؟ از کدام محل باینها پول میدهند ؟

آقایان : شما بیایید باین نامهم بیائیم هر چقدر که
دلنان میخواهد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی مایلیم که نمایندگان محترم
دقت بفرمایند . مادر حقیقت عده هستیم که اینجا آمده ایم
که باین روح وحدت و برادری یکقدم هائی برای اصلاح

مملکت برداریم . امیدوار هستیم عرایض بنده هم هیچ عنوان
تعریض و کتایبه نداشته باشد . قسم هم نمیخورم گمان میکنم
اگر حرف هم بزنم اشخاصیکه با بنده مانوس بوده اند

و قدم زده اند میدانند که غیر واقع عرض نمیکنم . بنده
عقیده ام این است که این قانون استخدام و این ترتیبات
بکثرتی کرده است که زندگان ایرانیها را زندگانی اشرافی

کرده است و بیبی و بین الله طوری شده است که رشته
زندگانی آنها از دستشان رفته است . چرا ؟ برای اینکه
سرماه که میشود مدیر کل یا رئیس اداره یا رئیس دائره

می بیند يك پول بقاعده گیرش می آید دیگر هیچ نمی
داند که این پول به چه ترتیب تهیه میشود و روش
زندگانی که ماها داشتیم و عادت کرده بودیم از دستشان

میرود . بنده خودم طلبه بوده ام . میدانم که ما خیلی
خیلی خوب میتوانیم با صد تومان صد و پنجاه تومان
يك عائله و يك خانواده را اداره کنیم . وقتی که ما

نظر بفر و مسکنت مردم بکنیم. بنده نمایندگان محترم را دعوت میکنم که باین بلديه بروند و ببینند این دارالمعزیه و دارالمساکین که از فشار مامورین دولت و وزارت مالیه درست شده و بیبی و بین الله بلديه اینها را جمع آوری کرده است و محلی برای آنها نیست. ما نماینده ملت هستیم. اول خوبست نماینده ملت يك سوزن بخودش بزند بعد يك جوال دوز بملت بزند این اندازه ما حاضر شویم شهادت کنیم عالیجنابان کنیم. (واذکر عشیرتک الاقرین) این اندازه بخودمان فشار بدهیم. آن مسئله را هم که آقای محقق فرمودند کاملاً محل تصدیق اعضاء کمیسیون بودجه هست که این قضیه را در کمیسیون بودجه تحت نظر بگیرند که به پشتیبانی مجلس نمایندگان محترم اشل را کم کنند و اگر ما هم توانستیم از بودجه و صرفه جوئیهای مملکت چیزی پیدا کنیم البته باید مؤسسان تشکیل بدهیم. ما ناچاریم مؤسسات صحیه را در تمام مملکت بسط بدهیم. ما فقر افرادی داریم. مملکت ایران افراد ندارد. پس فردا اگر بنا شود راه آهن تأسیس و اداره شود ما آدم نداریم. بود کار کند. اگر چهار تا کارخانه در ایران ایجاد کردیم محتاج به عمله میشویم. چرا؟ برای اینکه اولاد ایران کم شده است. این برای این بوده است که صحیه نداشته ایم. ما خوبست این صد و هشتاد هزار تومان را که بمحقوق نمایندگان افزوده شده خرج صحیه بکنیم. بریش بود که بنده اینجا راجع به ناامنی که طرف فارس و اصفهان واقع شده بود مذاکره کردم. آقای وزیر داخله اظهار کردند که چون بودجه امنیه کم است برای يك مملکت ایران باین زرگی درس ناسرس باین بودجه نمیتوانیم امنیه تشکیل بدهیم این افراد ایرانی که نماینده های آنها هستیم در عذاب هستند و اشرار اطراف آنها را گرفته اند و ما قوه نداریم که در آنجا امنیه تشکیل بدهیم. در جای امن و آسوده نشسته ایم. میرویم بخانه مان و بر میگرددیم و هر روز هی میل میکنیم امسال سیصد تومان! سال دیگر چهارصد تومان

سال دیگر پانصد تومان! حد بقیه هم نداریم. ما نمایندگان تمام مصائب را (بنده که بیستم ولی) شما هم که نماینده ملت هستید تمام مصائب را بر خودتان تحمیل کنید. نماینده یعنی بر کزیده ملت. بر کزیده ملت باید متاعب و مصائب ملت را در نظر بگیرد. باید برای ملت کار بکند. بنده تصدیق دارم میدانم. اما يك شهامت و عالی جنابان و آقایان و زرگواران از اکثریت محترم مجلس تقاضا میکنم و درخواست میکنم که امسال این قسم را بر ندارند و با ما مساعدت بکنند. عالی جنابان بکنند و این صد و هشتاد هزار تومانی را که بر بودجه زیاد کرده اند این را ما بدهیم بصحیه. بهمین اداره دارالمعزیه که در بلديه هست (باشوید بروید بلديه ببینید) بامنیه بدهیم به یکی از این مؤسسان که عام المنفعه است بدهیم. هم خیر دنیا است هم خیر آخرت. هم آن مطالبی که در اول مشروطیت گفتیم دمکرات و اینها تمام حقیقت و واقعیت پیدا میکنند. بنده هیچ لسان سوء ندارم خدا نکند جسارت کنم. استرحام میکنم. التجاء میکنم که حاضر نشویم هر يك از ما که سالی هزار و دوست تومان بر حقوق ما افزوده شود و صد و هشتاد هزار تومان بر بودجه مملکت اضافه کنیم. آنوقت دولت پس فردا بیاید در مقابل این افراط و تفریط يك مخارج گزافی را تحمیل کند. آنوقت میفرمائید ما رای نمیدهیم؟ بنده خیلی مشکل میدانم وقتی که ما این طرز افراط کاری داشته باشیم بتوانیم جلو آنها را بگیریم. اگر ما اینجا توانستیم جلو خودمان را بگیریم در کمال قوت میتوانیم همانطوریکه آقای محقق العلماء فرمودند جلو آنها را بگیریم. پول هم پیدا کنیم مخارج مؤسسات کنیم بصحیه بدهیم. معارف بدهیم. ما يك جاعتی باشیم که در دوره ششم يك زرگواران از ما باقی ماند. اخلاف ما سر فراز خواهند شد از يك زرگواران که امشب ماه رمضان شما اکثریت میکنید که دولت وقتی يك مخارج فوق العاده خود را بیاورد اینجا بتوانیم جلو او را بگیریم

گذشت کنید. شما برای حفظ استقلال و حیثیت مملکت از هزار و دوست تومان گذشت کنید. میفرمائید خودت بکن. خود بگیرم اما صد و بیست نفر هم بگیرند؟ این غلط است. معنی ندارد. نسبت بقانونی که از مجلس گذشته تبعیض میشود. بنده میگویم شما بیایید نگیرید با من موافقت کنید. اگر من غیر واقع کفتم. حکایت مرحوم شیخ مرتضی است. گفتند عوام فریبی میکنند گفت تو مسلمان واقعی باش. من عوام فریبی میکنم. حالا شما هم راست بگوئید. من دروغ میگویم. این دروغ را از بنده قبول کنید. شما راستش را بگوئید. جلالی - من چهل نفر نان خور دارم یادوست تومان اسرم نمیگذرد. آقا سید یعقوب آنوقت بنده هم تصدیق میکنم که آقای جلاء السلطنه یکی از ما شهادت زین افراد ایرانی بودند آمدند اینجا و گذشت کردند. زوار (مخبر کمیسیون محاسبات) - نماینده محترم سه اقرار کردند که من آنها را بمنزله اقرار العقلاء علی انفسهم جایز میدانم. اول گفتند من صد و بیست تومان برایم کافی است و هشتاد تومان زیادی میگیرم. اگر حقیقتاً ایشان دلشان بحال ملت میسوخت این هشتاد تومان از اول سال تخصیص میدادند به معارف یا صحیه. ثانیاً فرمودند من نماینده نیستم. البته کسیکه اقرار میکند نماینده نیست چرا اوقات مجلس را تلف میکند؟ ثالثاً فرمودند من دروغ میگویم. حساب پاک است دیگر!! (بخنده نمایندگان) بنده بنام موافقین این ماده اول عرض میکنم که يك پیشنهادی آقایان مخالفین بکنند اگر حقیقتاً راست میگویند که حقوق نگیرند. بنده هم بنام مخبری کمیسیون فوراً قبول میکنم که آن را از بودجه کسر کنیم. بایک کار فریبگری بکنند. اگر میخواهند صحیه تشکیل بدهند. خیلی خوب. در بهترین نقاط این شهر صحیه را تشکیل بدهند که محل عبور و مرور موافقین باشد که موافقین از آب نقطه بکشد میگذرند خجالت بکشند.

آن را هم قبول میکنم اگر این کار را نکردند و مجلس تصویب کرد این حقوق را و آنها زودتر شریف بردند. اداره مباشرت و پول گرفتند آن قضاوتش دیگر با مجلس و تاریخ است. آقا سید یعقوب - بنده اخطار دارم. اجازه میفرمائید؟ رئیس - راجع بچه؟ آقا سید یعقوب - راجع بفرمایشات نماینده محترم. رئیس - بر طبق کدام ماده؟ آقا سید یعقوب - اخطار راجع بعباراتی که نسبت بمن فرمودند گویا حضرت آقای رئیس توجه نداشتند. (خنده نمایندگان) خوب آقای زوار فحش هم میدهند. حرفی ندارم... مخبر - بنده جدا تکذیب میکنم. عرضی نکردم. رئیس - (خطاب باقای آقا سید یعقوب) خوب اگر توضیحی دارید بفرمائید. آقا سید یعقوب - توضیحی ندارم. توضیحش باحقیقت است. بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. (بعضی گفتند کافی نیست) رئیس - رای میگیریم. آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. چون راجع بمخارج بودجه مجلس آقایان مباشرین اطلاعات کافی دارند اگر مجلس موافق باشد وقتی که یکی از آقایان مباشرین اجازه خواستند بدون رعایت نوبت حرف بزنند؟ بعضی از نمایندگان - صحیح است. رئیس - ماده اول قرائت میشود. (بشرح ذیل خوانده شد) ماده اول - برای مخارج دوازده ماهه سال ۱۳۰۶

مجلس شورای ملی مبلغ پانصد و پنجاه و چهار هزار رو یکصد و نود و هشت تومان موافق فقرات (۱) الی (۴) ضمیمه اعتبار بادره مباشرت مجلس شورای ملی داده میشود

رئیس - فراموش شد برای ورود در شور مواد رای گرفته شود. رای میگیریم به ورود در شور مواد. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقای مدرس

مدرس - اغلب روزها از جالب دولت بودجه های زیادی میآید در مجلس. پول های زیادی هم تصویب میشود این اختلاف نظری که حس میشود که در بودجه مجلس مابین آقایان و کلاء موجود است و حال آنکه صد و هشتاد یا دویست هزار تومان نسبت به بودجه هائی که دولت میآورد خیلی کم است معذک همچو اختلافی حس نمیشود و خیلی از آنها را هم تصویب میکنیم. همینقدر که یکی از آقایان وزراء با دولت اظهار کرد بواسطه مصالح مملکتی و مخارج مملکتی است تصویب میکنیم. ورقه سفید هم میدهیم و این مبلغی که سالیانه تقریباً صد و هشتاد هزار تومان ...

ارباب کدخسرو - صد و چهل و پنجاه هزار تومان

مخبر - صد و چهل هزار تومان

مدرس - بله؟ صد و چهل هزار تومان؟ بسیار خوب صد و چهل هزار تومان بقدری عنوان دارد و عنوان پیدا کرده است که توی کوچه ها هم که آدم میگردد و میگویند کلاء میخواهند حقوقشان را زیاد کنند و این مسئله جزئی اینقدر عنوان پیدا کرده. باید تعمق کرد که چرا این صد و چهل هزار تومانی که فرمودند نسبت باین بودجه هائی که ما دائماً تصویب میکنیم و خیلی از آنها را هم اجالا میدالیم به غیر مورد خرج میشود خیلی کم است. مثلاً من يك اداره را سراغ دارم که پنجاه هزار تومان بودجه اش است و ماهی شصت

و وکیل شدید هم راه میبردید که حقوق و کلاء دویست تومان است. حالا آمده اید این جا باقی آورده اید؟ مگر گرانی شده است طهران؟ با اینکه تصدیق دارم که شاید بین آقایان اشخاصی هستند که از خودشان مالیه ندارند و ممکن است دویست تومان هم کافی نباشد برای آنها و مخارجشان زیاد است لیکن بقول حضرات (الامتناع بالاختیار لاینما فی الاختیار) شما همه شنیدید دویست تومان بیشتر نمیدهند. آن جا قبول کردید. حالا این جا آمده اید فسخ کرده اید؟ فسخ و قتش باقی است. پس بعقیده بنده اولاً مقتضی برای زیاد کردن نیست ثانیاً مانع هم هست. مقتضی که نیست مانع هم هست. اولاً در بودجه مجلس کمان ندارم که سابقاً با وزیر مالیه یا رئیس مالیه صحبت داشته باشند که آیا این صد و هشتاد هزار تومان که می خواهیم زیاد کنیم محل دارد یا نه آقای وزیر مالیه با شما مذاکره کرده اند؟ ...

وزیر مالیه - مجلس در بودجه اش آزاد است

مدرس - خیلی خوب. آزاد است. پس فردا اگر از طرف وزارت مالیه يك مالیاتی پیشنهاد کردند و بگوئید به چه جهت این مالیات را پیشنهاد کرده اید؟ میگویند برای بودجه مجلس ...

یک نفر از نمایندگان - حق ندارد

مدرس - چرا؟ میگویند شما این جا آمدید دویست هزار تومان زیاد کردید ملاحظه نکردید که مجلس کجا است. آیا محل هست. نیست. چون محل میخواهد. برروز بود در لایحه بانک هی بنده و آقای شیروانی و سایر آقایان دیگر پیشنهاد میکردیم که از این پول هائی که هست چند کرور بدهند بجهت سرمایه مقدماتی بانک و جواب میدادند محل خرج دارد. شاهزاده دیروز وزیر مالیه شده است. همین وزیر مالیه دیروز میگفت محل خرج دارد. اگر فردا آمدند و يك مالیاتی پیشنهاد کردند برای شانزده ماه دیگر که از مدت مجلس مانده است؟ چون شانزده ماه میشود دویست هزار تومان -

رئیس مالیه میگوید يك محل دویست هزار تومانی میخواهم. از کجا؟ به چه جهت؟ بجهت بودجه مجلس. شما میگوئید مالیات را تصویب نمیکنیم؟ میگویند پول هم نخواهید. میگویند صرفه جوئی از جای دیگر بکن. من بنده؟ و ثالثاً تقریباً در سال پنجاه کرور عجزاً ما از مردم میگیریم و صرف مملکت میکنیم - عرض بنده این است که آیا در این بیست سال که از عمر مشروطه میگذرد آن منبع عایداتی که ما از این بیست سال برای ملت درست کرده ایم کدام است؟ ...

کازرونی - قانون استخدام

مدرس - من مذاکرانه شوخی نیست. يك حقایقی را میگویم. کاری هم ندارم میخواهند رای بدهند یا ندهند. آن منبع عایداتی که در این بیست سال برای این ملت درست کردیم که صد و بیست هزار تومانش را خودمان برداریم (مثل نطف جنوب که الان سالی ده کرور میدهد) کدام است؟

غیر از اینکه یکشاهی از جیب مردم در میآوردیم حالا يك قران در میآوریم.

پانزده کرور در میآوریم حالا پنجاه کرور در میآوریم غیر از اینکه تمام را از جیب مردم در می آوریم چه منبع عایداتی در اینمدت بیست سال درست کردیم که در مقابل يك قدرش هم عاید خود مان. بشود؟ مدرس هم عوض الاغ يك درشکه با يك اتوموبیل داشته باشد که بگویم صد هزار تا اتوموبیل برای ملت درست کردم یکی هم مال خودم باشد. يك پول منبع عایدات برای ملت درست نکردیم - مالیات منبع عایدات نیست - پول توی جیب آن یکی است در می آوریم میریزیم توی جیب این یکی - از زمان استبداد که هی می نشینید و میگوئید: استبداد. استبداد يك منبع عایدات نطف جنوب در آوردند که حالا سالی ده کرور بشما میدهد. اما ما يك عایدات پنجتومانی در اینمدت بیست ساله نتوانستیم درست کنیم. توانی که امسال (اگر من

بگیرم) خواهم برد این است که مالیات اصناف را برداشتیم
الحق و الاصاف بلك خدمت بزرگى از ر داشتند
مالیات اصناف بگردیم و بلك منبع غایبان هم خیال
کرده ایم صیرر کنید معدن آهن استخراج بشود راه
آهن بجزریان بفتند کم کم این منبع ها بروز کنند
آبوقت عوض دستمان دامن مان وکلا همان را بگیریم -
باید زیاد شد ما هم پانصد تومان هزار تومان ببریم - من
آرزو میکنم يك روزی بیاید که وکیل هزار تومان
حقوق ببرد . همینطور که خبری هست که اگر تمام
دنیا لقمه بشود و بدهن عالم باعملی گذارده شود حقش
وفا نشده . همین قسم اگر هزار کرور بیک وکیل که
حق وکالتش را نسبت بموکلینش رفتار کرده باشد داده
شود حقش ادا نشده است - اما به بینیم و حساب کنیم
آیا ما چیزی پیدا کرده ایم که از آن منبع ثروت يك
قدریش هم عاید خودمان بشود ؟ هر چه هم بد بگذرد
هر چه هم من بگویم مخارجم زیاد است . اما چاره
چیست ؟ دویمآ سیدما چهارمأ (بنده خیلی حال ندارم)
باید تشخیص داد ما که صد و بیست . صد و پانزده .
صد و ده نفریم و از این محل مقدس که محل
توجه عموم است . این محل خیلی مکلف بزرگواری
است که توجه عموم بان جا است . ما بلك مفهوم وکالتی
داریم . بلك مفهوم ولایتی . کمان میکنم ما که آمده ایم
این جا میکوییم وکیلیم . ولی نیستیم . ولی آن کس
است که آنچه خودش مستقلاً صلاح میدانند اجرا میکنند
وکیل این است که نظر موکلینش را هم بداند . بنده
از تمام موکلین خودم که سی کرور باشند یکی را میدانم
که راضی باشد ما حقوقان را سیصد تومان بکنیم . چرا
برای اینکه ندارند . ندارند ! فقیرند ! بی چیزند !
دیشب من با جان کسالت پشت کرسی نشسته بودم يك
تلگراف آوردند . باکت تلگراف را که دمت من دادند
(یکی از آقایان هم تهریف داشتند) گفتیم این تلگراف
مثل تلگرافهای جهووی میباشد بر سنگین است . او گفت

چیست ؟ گفتیم این تلگراف را بپوشان در ملت نداده است
باز کردم . دیدم مال محزه است . بآن مؤمن گفتیم بدین
این را ملت پوشان را نداده است . در ایران کسی وجود
ندارد که این قدر پول تلگراف بدهد . موکلین ما فقیرند -
من میدانم که موکلین من بلك اقدام میل ندارند من قرض داشته
باشم اما بدانید ما که میکوییم از باب نداشتن ملت میکوییم
آنها میل ندارند ما حقوقان را زیادا کنیم . خدا میداند
میل ندارند . ما وکیلیم . ما اولی نیستیم - بلك مسئله
دیگر میگویم که متعلق بشخصی است که رو بروی
خودم نشسته است و آن این است که وزارت عدلیه از
روز تاسیس باحال ده کرور پانزده کرور خرجش شده
بکنفر آدم پیدا شد با خواب دیده بود . با استخاره کرده
بود . گفت میخواهم وزارت عدلیه را منحل کنم .
بکنفر (حق باناطن) نگفت چرا ؟ چون ملت متفر بود
ده کرور پانزده کرور اگر حساب کنیم خرج این عدلیه
شده - بدم هست . اما نایک همچو عدلیه بدی هم بخواید
درست شود خیلی پول میخواهد - مدرس . بداست .
اما نایک مدرس بدی هم پیدا شود دو قرن لازم دارد .
بنده هزار عیب دارم اما نایک مدرس هزار عیبی هم
بنا شود پیدا شود باز دوسه قرن طول دارد - پس کاری
نکنیم که مجلس شورای ملی هم مثل عدلیه بشود .
بعضی از نمایندگان - صحیح است .
مخبر - حضرت آية الله (عابدۀ محترم) خیلی بخودشان زحمت
دادند برای رفع کسالت ایشان بنده میخواهم بلك مثلی عرض
کنم : بکنفر از آقایان محترم يك آقا زاده داشت این را
گذاشته بود پیش بلك ملائی که او را درس میداد از
قضای اتفاق این ملا بلك دماغ بزرگی داشت بچه ها وقتی
که بیکار میشدند بلك را برمیداشتند می انداختند به دماغ
این ملا . بالاخره آخوند آمد و شکایت کرد که این بچه ها
مرا اذیت میکنند . صاحب خانه بچه ها را خواست و گفت
قدغن میکنم که دیگر این کار را نکنید . گفتند مطلقاً این
کار را نکنیم یا با آخوند این کار را نکنیم . گفت در خارج

ممكن است ولی در موقع درس این کار را نکنید گفتند ما
بهر جا که سنك بیندازیم بدماغ آخوند میخورد ..
(صدای زنگ رئیس)

رئیس - با این طریق نمیشود شما حرف بزنید .
تشریف ببرید

مخبر - راجع بآن قسمتش عرض میکنم

رئیس - اینها صحبت پارلمانی نیست . تشریف ببرید
پایین .

(آقای زوار از محل نطق مراجعت و بصندلی خود
جلوس نمودند)

رئیس - آقای بامداد مخالفند ؟

بامداد - بلی

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشامزاده - مخالفم

رئیس - آقای ثابت

ثابت - مخالفم

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای فرشی

فرشی - مخالفم

شریعت زاده - بنده اجازه خواسته بودم

رئیس - موافقید ؟

شریعت زاده - بلی

رئیس - بفرمائید

شریعت زاده - البته بنده خودم تصدیق میکنم بعد از
توضیحات ناطق محترم (آقای مدرس) تا حدی برای هر
کسی مشکل است که تأثیر استدلال ایشان را در مقابل
وضعیاتی که فعلاً هست بر طبق يك دلائل دیگری
مرفوع کنند . ولی در عین حال انتظار دارم آقایان نمایندگان

محترم از نقطه نظر آناری که از شخصیت اشخاص در
توضیحات ناشی است قضاوت نکنند بلکه نقطه نظرشان
قوت و ضعف استدلال و توضیحات مربوطه بموضوع باشد
فرمودند مجلس شورای ملی پیشنهاد ها . بودجه ها و
بالاخره اعتبارات مختلفه را که از حیث مبلغ و اهمیت
تأثیر آن در زندگانی مادی مملکت قابل توجه است
تصویب می کنند و در عین حال هیچ مخالفت های
مهمی نسبت بان نمیشود لیکن در مورد این وجه مختصر
احساس يك مخالفتی میشود و اظهار کردند که باید
فهمید علت مخالفت چیست . بنده نظرم این است که
توضیحات آقا نسبت باینموضوع نباید معتبر تلقی شود
زیرا که مجلس شورای ملی بدون اینکه در قضا با تشخیص
بدهد که مصلحت مملکت اقتضا میکند چیزی را تصویب
نمیکند

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

شریعت زاده - بنده خیلی متأسف هستم که از طرفی
اهمیت آثار عظمت مجلس شورای ملی طرف صحبت ناطق
محترم بود و از طرف دیگر نسبت دادند که در يك مسائل
مهمه بدون يك توجهات خاص يك تصویبانی میشود
در صورتیکه اینطور نیست . در تمام مسائل تصمیمات
مجلس شورای ملی مطابق صلاح مملکت است و اختلافاتی
هم که اظهار میکنند در مجلس هست البته مطابق موازین
مشروطیت مجلس وضع شده است که در مسائل نظری
مخالف و موافق حرف بزنند . در يك مسائلی عدۀ موافق
بیشتر است و در يك مسائلی عدۀ مخالف . زیادی عدۀ
مخالف دلیل نیست که ما نظر موافقین را غیر مصاب
بدانیم و برعکس ممکن است در يك مسائلی عدۀ زیادی موافق
باشند در صورتیکه مخالفین هم باحسن عقیده اظهار مخالفت بکنند
اینها هیچکدام دلیل مؤرقانونی برای تشخیص بلك موضوعی
نیست . قسمت دیگری که فرمودند این بود که ممکن
است بعد از تصویب يك چنین قانونی دولت یا رئیس کل
مالیه (که بنظر من باید گفته شود وزیر مالیه زیرا

مسئول مجلس شورای ملی وزیر مالیه است) خواهند گفت این پول داده نمیشود و باید شما محل این پول را نشان بدهید. بنده تصور نمیکنم که در ایران هیچ مؤسسه یا هیچ شخصی وجود داشته باشد که در مقابل تصمیبات مجلس شورای ملی صلاحیت نمرد داشته باشد. (بعضی از نمایندگان صحیح است) زیرا که در حدود قانون اساسی مرجع صلاحیت دار برای تشخیص مصالح مملکت تنها مجلس شورای ملی است. بطوریکه وقتی تصمیم گرفت آن تصمیم قطعی الاجراست و هیچکس نمی تواند چنین اجازه را به خود بدهد که تصور کنند يك فردی در مملکت وجود دارد که می تواند بر ضد تصمیبات مجلس رفتار و قیام کند. بعلاوه این تصور هم يك استدلالی که مربوط باصل موضوع باشد نیست و این تصویری است که بنظر بنده در قضاوت امر از او هیچ اثر قطعی نمیتواند ناشی بشود. حالا بنده میخواهم يك مسائل دیگری را بدون اینکه متوالیاً بجواب اظهارات ناطق محترم پرداخته باشم عرض کنم. مخصوصاً از حاضرین تقاضا میکنم که توجه مخصوصی بفرمایند. برای اینکه يك حقی و يك اجرتی که همیشه بيك فردی که مأمور انجام وظیفه است داده میشود باید بین آن حق و آن خدمتی که انجام میدهد تناسبی وجود داشته باشد. در اینجا همیشه در هر موردی دو ستون حساب باید تشکیل بشود و در مملکت باید این اصول رعایت شود باید دید که حقوق و مقرری برای چه داده میشود؟ برای انجام خدماتی که در يك مدت معینی بر طبق يك مقرراتی انجام میشود باید پرداخته شود. وقتی که درست ملاحظه و قیاس کنیم می بینیم نمایندگان مجلس شورای ملی که از ولایات دور دست می آیند شب و روز آنها یعنی چقدر از شب و روز آنها برای انجام وظیفه صرف میشود؟ اولاً آقایان میدانند لا اقل در هفته سه روز جلسه علنی است و در تمام ایام هم تمام نمایندگان باید در کسیون ها حاضر شوند و مشغول انجام وظیفه هستند وقتی که قیاس کنیم می بینیم يك مأمور اداره چهار

ساعت در روز کار میکند چهار صد تومان میگردد و يك نماینده که ده بازده ساعت در شبانه روز کار میکند زیرا ده ساعت برای وظایف مجلس و پنج ساعت دیگر برای رفع بدبختی از آن بدبخت هائی که غالباً در تحت تاثیر این ادارات بی اساس واقع میشود کار میکنند و برای مطالبی که با آنها وارد میشود مشغول دوندگی هستند بنا بر این باید گفت که حقا و استدلالاً و از روی این حساب حق يك نفر نماینده یعنی مقرری او باید سه برابر اشخاص معمولی باشد یعنی مستخدمین. حالا اگر اینطور نیست. اولاً باید عرض کنم که این مطلب مربوط بشخص بنده نیست و بنده از نقطه نظر مصالح اجتماعی يك مجلسی که نسبت افراط و تفریط باو داده میشود برای دفاع مجلس این عرض را می کنم و الا شخص بنده اعم از اینکه مقرری بنده کم شود یا زیاد در زندگانی بنده هیچ تأثیری ندارد. در هر صورت آقایان فرض بفرمایند يك نماینده مثلاً آقای امام جمعه از يك راه دوری برگر آمده اند و قدر مسلم برای تهیه اثاثیه و لوازم زندگانشان هزار تومان لازم دارند. بنده يك نفر را عرض میکنم وقتی که روی هرفته حساب بشود (حساب هر نماینده در اداره مباشرت معلوم است) معلوم میشود که يك نلک از حقوق و مقرری آنها برای رفع احتیاج قطعی یعنی برای قوت لایموت آنها صرف میشود این يك حساب خیلی دقیق و صحیحی است که در اداره مباشرت هست و هر کس میتواند بان رجوع کند. اما اینکه فرمودند باید صرفه جوئی کرد تا اینکه وضعیت اقتصادی مملکت رونق بگیرد بنده هیچ نمیدانم چرا در موقع تدوین بودجه و آن اقلامی که اصول مفت خوری را تثبیت میکنند این نظر را چرا در آن موقع رعایت نمیکند؟ (بعضی از نمایندگان - صحیح است) بالاخره باید همیشه در نظر آورد آن قدم هائی را که مجلس برای زندگانی جامعه بر میدارد آن قدم ها مستلزم اصلاحات عمیق و اساسی باشد. در هر حال ما باید از نمایندگان تشویق کنیم

و در عین حال باید با آن اصول و ترتیبی موافقت کنیم که دیس در نتیجه قبول و اجرای آن اصول آباد شده است نه اینکه در يك مسائل جزئی اختلاف نظر پیدا کنیم.

عده از نمایندگان - صحیح است

شریعت زاده - ما باید در نتیجه کمک و فداکاری يك امنیت قضائی ایجاد کنیم و برای تولید ثروت يك کارهائی بکنیم و يك قدمهای مفیدی برداریم که این ملت با کمال کشاده روئی ما را در آغوش خود بگیرد و بیش از این مقرری را درباره ما روا ندارد. البته اگر چنین کارهائی بکنیم اشکالی نیست ولی در صورتیکه ما نخواهیم همینطور بنشینیم و همان وضعیات سابقه را اصول قهقرائی را تعقیب کنیم البته مورد اعتراض است ولو اینکه حقوق ما کمتر از اینهم باشد.

چیز دیگری که لازم است بعرض آقایان برسانم این است که فرمودند چون ما منابع عایدی مسلمی در این مدت بیست سال برای ملت ایجاد نکرده ایم لهذا حق نداریم حالا بر مقرری خودمان اضافه کنیم بنده در این مسئله با ایشان موافق نیستم و مطلب اینطور نیست. حالا بنده وارد در جزئیات نمیشوم ولی همینقدر عرض میکنم و آقایان را بشهادت میطلبم که مجلس ایران از وقتی که در این مملکت تشکیل شده تا کنون هنوز آن مراحل اولیه را طی کرده است. یعنی همیشه در مقابل مشکلاتی که برای این مملکت ایجاد شده بود مقاومت و ایستادگی کرده و آقایان خوب میدانند که مجلس تمام اختناق ها و مشکلاتی که برای این مملکت ایجاد شده همه را در هم شکسته و تمام آنها در تحت تأثیر همین مجلس از بین رفته است...

عده از نمایندگان - صحیح است

شریعت زاده - پس تصدیق میفرمایید که همین مسئله بزرگترین خدمانی بوده که مجلس کرده بعلاوه مسائل مفیده دیگر از قبیل تصویب خطوط آهن و لایحه نظام

اجباری. تمام این ها کارهائی است که در دوره پنجم صورت گرفته. و این کارها شوخی نیست و این هابك کارهائی است که اگر بچرائد مراجعه شود اسباب غبطه و حسد دیگران شده و ما باید سعی کنیم که در نتیجه حسن استعمال این قوانین آن نتایجی که منظور است بدست آید. مطلب دیگری که فرمودند اینست که در موقع انتخاب آقایان نمایندگان محترم میدانستند که حقوق نمایندگان دوپست تومان است و با آن وصف قبول کردند گرچه توضیح ندادند ولی میخواستند این طور استدلال کنند که در نتیجه این اطلاع يك قرارداد و الزام عملی برای آقایان نمایندگان تولید شده و البته آقایان تصدیق میفرمایند که این استدلال صحیح نیست. زیرا اگر این طور باشد باید مجلس شورای ملی و افراد نمایندگان با جریانی که قبلاً در مملکت واقع شده و اطلاع داشته اند موافق بوده و هیچ تغییری در آنها ندهند و البته این استدلال صحیحی نیست. مجلس شورای ملی حق تغییر هر وضعیتی را خواهد داشت مخصوصاً در مسائل مالی که تنها مرجع صلاحیت دار است و این را هم عرض میکنم که از نقطه نظر اخلاقی بنده حالا نمیخواهم توضیح بدهم ولی مخصوصاً باید آن قسمت از زندگانی و لوازمی که برای يك نفر نماینده ضرورت دارد کاملاً رعایت و تأمین شود. زیرا کسی که دخل و خرجش مساوی نیست نمی تواند با فراغت بال انجام وظیفه بکند راجع به وزارت عدلیه هم که فرمودند. وزارت عدلیه يك کار هائی کرده و البته قیاس این مسئله با مجلس شورای ملی چندان تناسب نداشت. (بعضی از نمایندگان صحیح است) زیرا مجلس شورای ملی تا کنون جز حفظ استقلال مملکت و انجام خدمات کار دیگری نکرده است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - مذاکرات کافی است ؟
عده از نمایندگان - بلی مذاکرات کافی است.

رئیس -- عده برای رأی گرفتن کافی نیست . عجزاً
تنفس داده میشود .

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از
یکساعت و نیم مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- در موقعیکه آقای مخبر کمیسیون محاسبات از
لابحه بودجه مجلس دفاع میکردند يك مذاکرات کردند
که بنده همچو بنظر آمد که يك قدری از موضوع
خارج شده اند یعنی از مطلب ما نحن فیه خارج شدند
این بود که بنده مجبور شدم بایشان تذکر بدهم گویا
برای ایشان سوء تفاهمی حاصل شده لازم است عرض
کنم که بنده بهیچ وجه نظر سوئی نسبت بایشان نداشتم
و مقصود بنده اساساً این است مذاکراتی که میشود
حتی المقدور باید در موضوع و از روی تناسب و حتی الامکان
باید مقرون به زاکت باشد . و الا غرض دیگری در کار
نیست .

زوار (مخبر کمیسیون محاسبات) - از احقاق حقی
که فرمودید تشکر میکنم .

رئیس -- راجع بماده اول گفته شد مذاکرات کافی
است . حالا آقایان مذاکرات را کافی میدانند یا خیر ؟

دکتر مصدق - بنده مخالفم .

رئیس -- بفرمائید .

دکتر مصدق - بنده میخواستم عرض کنم راجع بحقوق
نمایندگان مجلس شورای ملی باید ما یک نظری هم بقوانین
سائر ممالک بیندازیم و به بینیم در جاهای دیگر فلسفه
حقوق نمایندگان چیست ؟ و از روی چه فلسفه حقوق
برای نمایندگان معین شده و اگر آقایان مذاکرات را
کافی ندانند و صلاح بدانند بنده نظریات خودم را عرض
می کنم .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس -- رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات ،
آقایان که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .
(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس -- اکثریت است . دو فقره پیشنهاد شده است
راجع بماده اول ، لیکن آقای خطیبی پیشنهاد کرده اند
جلسه ختم شود مخالفی دارد یا خیر ؟
جمعی از نمایندگان - خیر ،

رئیس -- پس جلسه را ختم میکنیم ، جلسه آینه شب
یکشنبه . دستوراً اولاً بودجه مجلس و بعد لایحه تعلیمات عمومی
بعضی از نمایندگان - لایحه عدلیه .

رئیس -- پس در درجه ثانی لایحه عدلیه .

(مجلس شش ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد)